

ارتباطات غیر کلامی و نشانه‌شناسی حرکات بدنی

محمدرضا پهلوان نژاد

عضو هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد

چکیده:

این مقاله به بررسی ارتباطات غیر کلامی و نقش حرکات بدنی در برقراری ارتباط در فرهنگ ایرانی و زبان فارسی می‌پردازد. نگارنده در این مقاله به این نتیجه می‌رسد که حرکات بدنی نقش بسزایی در برقراری ارتباط دارند و حتی جنبه‌هایی از این حرکات می‌توانند نقشی اساسی‌تر از مهارت‌های کلامی در برقراری ارتباط ایفا کنند. به‌طور کلی، این حرکات از سه طریق عمل می‌کنند: ۱- جایگزین پیام‌های کلامی می‌شوند. ۲- پیام‌های کلامی را تقویت می‌کنند. ۳- در جهت خلاف و رد پیام‌های کلامی عمل می‌کنند. در این بررسی حرکات مختلف اندام‌های سر، صورت (که خود به اشارات ابروان، چشم، بینی، دهان و لب تقسیم می‌شود)، دست، پا و همچنین حرکت اندام‌های دیگر مانند حرکت شانه‌ها و معنی هر کدام از آن‌ها در زبان فارسی پرداخته می‌شود.

کلیدواژه‌ها: ارتباطات غیر کلامی، زبان بدن، حرکت‌شناسی، نشانه‌شناسی، فرازبان

۱. مقدمه

بسیاری از پژوهشگران بر آن بوده‌اند که با روش‌های پژوهشی خود بتوانند حجم مؤثر رفتارهای غیر کلامی را در روابط بین فردی و اجتماعی مشخص کنند. کار بسیار دشوار به نظر می‌رسد؛ ولی بسیاری از آنان توفیق یافته‌اند که میزان نسبی رفتارهای غیر کلامی را در مقابل رفتارهای کلامی تخمین بزنند. یکی از پیشتازان و پیشروان مطالعات غیر کلامی، "بیردویسل"^۱ مشخص کرده است که فقط ۳۵ درصد از معنی در یک وضعیت خاص با کلام به دیگری منتقل می‌شود و ۶۵ درصد باقیمانده آن در زمره غیر کلامی است. پیشگام دیگری که در عرصه تحقیقات غیر کلامی نامی بلندآوازه دارد "آلبرت مهربابیان" محقق ایرانی-آمریکایی است. او نیز پیام‌های فرستاده شده در یک ارتباط بین فردی را تجزیه و تحلیل کرده و دریافته است که فقط ۷ درصد از معنی با پیام‌های کلامی (در قالب کلمات و جملات) به مخاطب منتقل شده است. ۹۳ درصد از پیام که به گونه غیر کلامی منتقل شده است، قابل تقسیم به این موارد است: ۳۸ درصد آن با "نشانه‌های آوایی"^۲ و ۵۵ درصد با "نشانه‌های چهره‌ای"^۳. البته، یافته‌ها در پژوهش‌های مختلف با یکدیگر متفاوتند؛ ولی می‌توان چنین نتیجه گرفت که "نشانه‌های غیر کلامی" در ارتباطات بین فردی بسیار مهم بوده، نقش آن در بسیاری موارد در انتقال معنی از فردی به فرد دیگر بسیار حیاتی می‌باشد (فرهنگی، ۱۳۷۴: ۲۷۳ - ۲۷۲).

پیام رسانی بدن به عنوان بخش مهمی از روان‌شناسی اجتماعی و آموزش حرفه‌ای، کاربرد فراوان به ویژه در حیطه مدیریت، آموزش، امور اجتماعی و جامعه‌شناسی دارد و افراد در همه نوع مشاغل مرتبط با مسائل

¹ Birdwhistel

² vocal cue

³ facial cue

اجتماعی اعم از قاضی، وکیل، آموزگار، بازیگر، گویندهٔ رادیو و تلویزیون، سخنران، کارگردان، مصاحبه‌گر و... می‌توانند از آن بهره‌گیرند. به‌طور کلی، اطلاع‌رسانی غیرکلامی به‌عنوان حیطة اصلی روان‌شناسی اجتماعی شناخته شده و اهمیت علمی و کاربردی قابل توجهی پیدا کرده است؛ اما در صورتی که بخواهیم در حوزهٔ زبان‌شناسی به این عناصر بپردازیم، مطالعهٔ آن‌ها به شاخهٔ کاربردشناسی و جامعه‌شناسی زبان مربوط می‌شود. به عبارت دیگر، به‌طور کلی در این زمینه با دو موضوع کلی سر و کار داریم: یکی نشانه‌شناسی و دیگر ارتباط غیرکلامی. علم نشانه‌شناسی ریشه در انسان‌شناسی دارد. فردینان دوسوسور معتقد است که نشانه‌شناسی دارای همهٔ وسایل به کار رفته در جامعهٔ انسانی است که برای ایجاد ارتباط عمل می‌کند و شامل عبارات زبانی و وسایل غیرزبانی از قبیل حرکات و اشاره‌هاست. سوسور می‌گوید زبان‌شناسی بخشی از نشانه‌شناسی همگانی است و قوانین کشف شده توسط نشانه‌شناسی قابل استفاده در زبان‌شناسی است و زبان به این دلیل که نظامی است متشکل از نشانه‌های اختیاری، مهم‌ترین نظام از انواع نظام‌های نشانه‌ای است و همچون الگو و نمونهٔ اصلی دانسته می‌شود (توکلی، ۱۳۷۴: IV). ارتباط غیرکلامی خود شاخه‌ای از نشانه‌شناسی است؛ اما به دلیل گستردگی علم نشانه‌شناسی در این مقاله صرفاً به بررسی ارتباطات غیرکلامی می‌پردازیم و فقط در جاهایی که لازم به نظر برسد از نشانه‌شناسی کمک خواهیم گرفت.

پیام رسانی بدن همان اطلاع‌رسانی غیرکلامی از طریق حرکات چشم، حالات چهره، آهنگ صدا، حالات بدن، ژست‌ها و حرکات بدنی است که کمابیش خودآگاهانه یا ناخودآگاهانه، به‌طور مؤثر یا نامؤثر در زندگی روزمره از آن استفاده می‌کنیم و بدین وسیله با تقویت یا تضعیف هر شکل از برخوردهای اجتماعی، به روابط خود با دیگران شکل می‌دهیم.

به نظر می‌رسد که علم شناخت حرکات مانند خود زبان هم ذاتی باشد و هم از لحاظ فرهنگی مشخص. به نظر می‌رسد که حرکات بدنی مشخصی وجود داشته باشد که در همهٔ فرهنگ‌ها یک معنی را انتقال دهند. پیام‌های حرکتی دیگری نیز وجود دارد که دارای معانی مخصوص برای فرهنگ‌های مخصوصی است؛ هر چند این حرکات در اغلب فرهنگ‌ها دیده می‌شوند (همان: ۱۰۲-۱۰۰).

هم اکنون این سؤال مطرح می‌شود که ارتباطات غیرکلامی تا چه اندازه حائز اهمیت‌اند و اینکه آیا اشارات جهانی‌ای وجود دارد که از لحاظ فرهنگی مستقل باشند و برای هر انسانی در هر فرهنگ ملموس باشند؟ آیا چیزهایی که هر انسانی انجام می‌دهد به طریقی معنی واحدی را به دیگر انسان‌ها انتقال می‌دهد که صرف‌نظر از نژاد و فرهنگ و رنگ باشد؟ به بیان دیگر، آیا یک لبخند همیشه دلالت بر یک حالت سرگرمی دارد؟ آیا اخم همیشه نشان ناخشنودی است؟ هنگامی که ما سرمان را از این طرف به آن طرف تکان می‌دهیم آیا این همیشه به معنای "نه" است؟ و یا هنگامی که سرمان را به بالا و پایین می‌بریم، آیا این حرکت به معنی "بله" است؟ آیا همهٔ این حرکات برای همهٔ مردم همگانی و جهانی است و اگر چنین است آیا این حرکات در پاسخ به یک احساس غریزی است؟

با فرض اینکه این حرکات نقش بسزایی در برقراری ارتباط دارند، در این مقاله ابتدا به بررسی اهمیت این حرکات و نقش آن‌ها در برقراری ارتباط می‌پردازیم و سپس به ذکر برخی از اشارات متداولی که بین فارسی‌زبانان رایج

است، خواهیم پرداخت.

۲. اهمیت و طرح موضوع

بعضی از حرکات غیرکلامی جهانی^۱ و بعضی دیگر غیرجهانی یا منطقه‌ای^۲ هستند. جهانی‌ها همه جا شناخته شده‌اند و همه انسان‌ها با آن‌ها آشنا هستند؛ برای مثال، چه در ایران، چه در آمریکا و چه در یک قبیله بدوی، لبخندزدن در شرایط طبیعی معانی خوبی را به همراه دارد و تقریباً همه برداشت خوب و مثبتی از آن دارند (البته به جز معانی کنایی و انواع معانی متضادی که امروزه ادبی تعبیر می‌شوند). این جهانی‌ها همان نشانه‌هایی هستند که از کودکی به همراه ما بوده‌اند.

نظریه اشاره^۳ که توسط ویلهلم ونت معرفی شد بیان می‌دارد که ابتدایی‌ترین شیوه ارتباط انسان‌ها، نشانه و اشاره‌ای است که با دست‌ها ایجاد می‌شود. چنین زبانی به‌طور طبیعی و هم‌زمان است؛ به طوری که حتی امروزه هنگامی که کسی را به طرف خود فرا می‌خوانیم، علاوه بر اینکه به‌طور لفظی کلمه‌ای را بر زبان می‌آوریم، با حرکت دست نیز آن کلمه را همراهی می‌کنیم و در شرایطی که زبان مخاطب خود را ندانیم، به اشاره متوسل می‌شویم. وی اضافه می‌کند که هر اشاره دست با حرکت زبان و لب‌ها و فک‌ها منطبق است و این‌ها به تدریج به اشاره زبانی، اشاره لبی و اشاره فکی تبدیل شده‌اند و انسان این مسیر تحول را طی کرده است تا از زبان اشاره به زبان گفتاری رسیده است (یول، ۱۹۸۵: ۳).

برخی روان‌شناسان مانند ادوارد هال ادعا می‌کنند زبان بدن بسیار مهم‌تر از زبان گفتاری است. چندین دلیل در حمایت از این عقیده عرضه شده است؛ دلیل اول: میزان استفاده از زبان گفتاری در مقایسه با زبان بدن بسیار ناچیز است. نتایج یک تحقیق نشان می‌دهد که در یک ارتباط، فقط هفت درصد از آنچه شخص احساس می‌کند، در کلمات بیان می‌شوند و نود و سه درصد هیجانات با استفاده از مسیرهای گوناگون ارتباط غیرکلامی بیان می‌گردند؛ دلیل دوم: زبان بدن نسبت به زبان گفتاری از پویایی بیشتری برخوردار است. روان‌شناسان ادعا می‌کنند که در رابطه دو نفر، بیش از پنجاه و پنج درصد معانی به شکل غیرکلامی رد و بدل و فهمانده می‌شوند. یک روان‌شناس میزان استفاده از زبان بدن بین دو نفر را مورد ارزیابی قرار داده و چنین نتیجه گرفته است که اشخاص معمولی کم‌تر از بیست دقیقه در روز صحبت می‌کنند و جملات عادی، کم‌تر از پنج ثانیه عمر دارند. همچنین اکثر بچه‌های کوچک از کلمات برای بیان واقعیت‌ها استفاده می‌کنند: "من خسته هستم" و از زبان بدن بیشتر برای تبادل هیجانات و عواطف استفاده می‌کنند؛ مانند گریه یا اخم کردن در هنگام ناراحتی و چپ‌چپ نگاه کردن در هنگام عصبانیت؛ دلیل سوم: در نشان دادن اهمیت ارتباط غیرکلامی در رابطه افراد این حقیقت انکارناپذیر است که زبان بدن، حقایق را غیرقابل کتمان می‌کند. به عبارت دیگر، زبان بدن غالباً احساسات واقعی ما را از ورای آنچه در کلام بیان می‌کنیم، آشکار می‌سازد. همچنین زبان بدن نسبت به زبان

¹ universal

² particular

³ The gesture theory

کلامی دارای قدرت متقاعدکنندگی بیشتری است. یک عمل نسبت به لغات و کلمات می‌تواند رساتر "صحبت" کند. یک درآغوش فشردن اطمینان‌بخش می‌تواند بیشتر حمایت‌کننده باشد تا گفتن یک عبارت اطمینان‌دهنده. با وجود این به نظر می‌رسد این موارد، فقط دلیلی بر اهمیت حرکات بدن و نشانه‌های غیرکلامی است و نمی‌تواند جایگزین کارکردهای زبانی باشد؛ اما از آنجایی که این مقاله صرفاً به توصیف معنی چند نشانه غیرکلامی می‌پردازد، از پرداختن به ساخت‌های زبانی خودداری شده است (همان: ۱۴-۱۱).
به‌طور کلی نشانه‌های غیرکلامی ایفاگر سه نقش هستند:

۱. جایگزین پیام‌های کلامی می‌شوند؛ مثلاً به‌جای گفتن "بله" یا "خیر" سر را به پایین یا بالا حرکت می‌دهیم.

۲. پیام‌های کلامی را تقویت می‌کنند؛ مثلاً همراه خوشامدگویی به مهمان چهره‌ای بشاش و لبخند محبت‌آمیز هم چاشنی می‌کنیم.

۳. در جهت خلاف و رد پیام‌های کلامی عمل می‌کنند؛ مثلاً در یک جمع پنج نفره پس از بیان یک جمله به طرف مقابل، با زدن چشمکی به دیگران عدم صحت آن جمله را اعلام می‌کنیم.
نشانه‌های غیرکلامی در ایفای نقش اول و دوم در خدمت ارتباط زبانی هستند؛ ولی هنگامی که در جهت خلاف پیام‌های کلامی (نقش سوم) عمل می‌کنند ارتباط زبانی در شرایط بن‌بست دو سویه قرار می‌گیرد (فرهنگی، ۱۳۷۴: ۱۵۳).

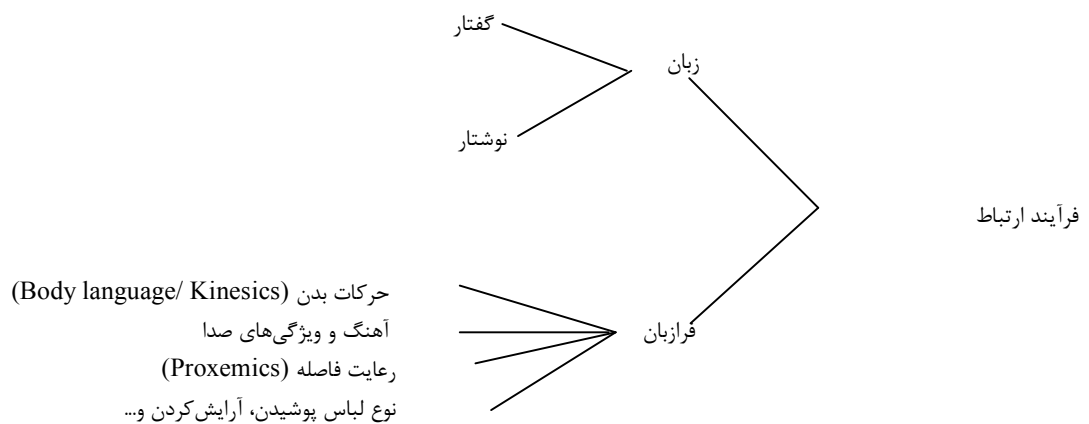
نقش سوم نشانه‌های غیرکلامی در نشان دادن نیت اصلی سخنگویان بسیار مهم است. در واقع مردم غیرحرفه‌ای نمی‌توانند این نشانه‌ها را مانند نشانه‌های زبانی در خدمت "دروغ گفتن" قرار دهند. در حقیقت نشانه‌های غیرکلامی دست ما را رو و مشت ما را باز می‌کنند. فقط افراد بسیار ماهر می‌توانند احساسات خود را در شکلی دروغین پنهان کنند؛ مثلاً ترس و وحشت سهمگین خود را با خنده بیوشانند یا تنفر شدید خود را با ماسک علاقه و محبت پنهان نمایند (زند، ۱۳۷۴: ۴۷).

از جمله نشانه‌های غیر کلامی می‌توان موارد ذیل را نام برد: نشانه‌های مربوط به فاصله^۱، نشانه‌های زمانی^۲، نشانه‌های دیداری^۳ و نشانه‌های آوایی^۴. در این مقاله فقط به بررسی نشانه‌های دیداری خواهیم پرداخت (فرهنگی، ۱۳۷۴: ۲۷۶ - ۲۷۳).

¹ spatial cue
² temporal cue
³ visual cue
⁴ vocal cue

ارتباطات غیرکلامی و نشانه‌شناسی حرکات بدنی

برخی در توصیف فرآیند ارتباط فقط به این عوامل اعتقاد دارند:



آرژیل (۱۹۷۲) معتقد است ده مشخصه ذیل توصیف‌کننده مسئله فرآیند ارتباط است:

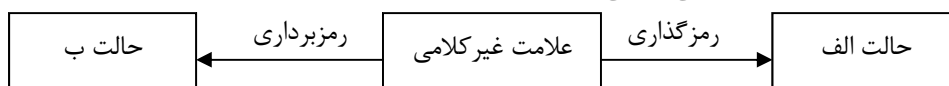
- ۱- تماس بدنی (Bodily contact)
- ۲- میزان فاصله (Proximity)
- ۳- حالت بدن (Posture)
- ۴- ظاهر فیزیکی (Physical appearance)
- ۵- حرکات صورت و بدن (Facial & gestural movement)
- ۶- مسیر دید (نگاه) (Direction of gaze)
- ۷- مدت و زمان‌بندی صحبت (Timing of speech)
- ۸- حالت عاطفی گفتار (Emotional tone of speech)
- ۹- خطاهای گفتار (Speech errors)
- ۱۰- لهجه (Accent)

اما به نظر می‌رسد که می‌توان تمام این ویژگی‌ها را به‌طور خلاصه در پیوستار زیر نمایش داد:

زبان غیرکلامی و غیرآوایی ← زبان غیرکلامی ولی آوایی ← زبان کلامی

در اینجا - همان‌طور که قبلاً نیز گفته شد - مقصود از زبان کلامی^۱، همان کلمات و جملات زبانی هستند و زبان غیرکلامی و غیرآوایی فقط به حرکات بدن، بدون در نظر گرفتن نظام گویشی اشاره می‌کند. آوایی بودن نیز به ویژگی‌هایی از جمله آهنگ صدا، زیر و بمی صدا، فشار کلمه و جمله، پایین یا بالا بودن صدا و ... اشاره می‌کند.

مدل پایه ارتباط غیرکلامی را می‌توان به این صورت نمایش داد:



رمزگذاری فرد "الف" از حالت عاطفی خود به شکل یک علامت یا پیام غیرکلامی، ممکن است توسط فرد "ب"

^۱verbal

رمزبرداری شود. این رمزبرداری ممکن است درست یا نادرست باشد. در اینجا چند احتمال وجود دارد: "الف" رمزگذاری و "ب" رمزبرداری می‌کند و این کار با استفاده از رمزی مشترک صورت می‌گیرد؛ مثلاً هر دو ممکن است کاهش فاصله یا نزدیکی "دوستی و علاقه" را برسانند.

۱- "ب" رمزبرداری نادرستی می‌کند؛ به این دلیل که "الف" فرستنده‌ای ضعیف یا "ب" گیرنده‌ای ضعیف بوده است و یا هر دو ضعیف عمل کرده‌اند.

۲- "الف" پیام گمراه کننده‌ای می‌فرستد که "ب" ممکن است آن را باور بکند یا نکند.

۳- "الف" به هیچ وجه قصد برقراری ارتباط ندارد؛ اما رفتارش در بردارنده اطلاعاتی است که "ب" ممکن است قادر به رمزبرداری از آن باشد؛ مثلاً، دریافت این نکته که تکیه‌دادن سر به دست نشانه‌ای از خستگی و بی‌حوصلگی است.

۴- "الف" قصد برقراری ارتباط ندارد و "ب" شاید از روی باورهای مرسوم ولی نادرست درباره مفهوم پیام‌رسانی غیرکلامی به اشتباه به رمزبرداری می‌پردازد و مثلاً دزدیدن نگاه را علامتی از فریب‌کاری فرض می‌کند (آرژیل، ۱۳۷۸: ۱۲).

بیشتر جنبه‌های ارتباط غیرکلامی وابسته به فرهنگ‌اند و همچون عناصر کلامی فرهنگی فراگرفته می‌شوند. به جز معدودی از رفتارهای غیرکلامی جهانی - که عمدتاً در بیان احساسات نقش دارند - مفاهیم فرهنگی، اغلب در قالب حرکات بدنی یا حالت‌های مشخصی از صورت شکل می‌گیرند و برحسب ویژگی‌های فرهنگی متغیرند (جهانگیری، ۱۳۷۰: ۲۶ - ۲۵).

نمونه خوب این مورد لبخند است؛ همه انسان‌ها لبخند می‌زنند اما انواع زیادی لبخند وجود دارد. هر فرهنگ، لبخند را به طریقی متفاوت برای منظوره‌های متفاوتی به کار می‌گیرد. حتی در درون یک فرهنگ هم لبخندهای زیادی وجود دارد. برای مثال، در فرهنگ ایرانی لبخند کنایه‌دار، لبخند حاکی از پوزخند، لبخند تمسخرآمیز و... داریم. برخی فرهنگ‌ها دارای انواع گسترده‌تری هستند به گونه‌ای که دندان‌هایشان نمایان می‌شود و موقعیت‌هایی که در آن لبخند ایجاد می‌شود از لحاظ فرهنگی مشخص و معین هستند. در یک جامعه چند فرهنگی این مطلب می‌تواند باعث ایجاد سوء تفاهم شود. یکی از نمونه‌های فرهنگی که ناشی از تفاوت در عادت لبخند است، مربوط به بچه‌های امریکایی و ژاپنی است. این بچه‌ها به عنوان نشانه‌ای از احترام نسبت به بزرگترها هنگامی که مورد سرزنش قرار می‌گیرند، لبخند می‌زنند؛ در حالی که معلمان آنگلیوی این لبخند را دال بر بی‌ادبی می‌دانند. لابر^۱ سنت لبخند زدن ژاپنی‌ها را ذکر می‌کند که حتی در هنگام مرگ عزیزانشان نیز صورت می‌گیرد. این لبخند به خاطر سنگدلی آن‌ها نیست؛ بلکه فرد داغ‌دیده تبسم می‌کند تا به این وسیله غم خود را به دیگران منتقل نکند. در میان حالاتی که برای نشان دادن فروتنی به کار می‌رود، کروت^۲ موارد زیر را مطرح کرده است: سوماترایی‌ها در حالی تعظیم می‌کنند که دست‌هایشان به هم می‌آید و سپس آن‌ها را در داخل دست‌های طرف مقابل قرار می‌دهند و آن‌ها را تا پیشانی بلند می‌کنند (فاست، ۱۹۷۲: ۷۲).

¹ Labarre

² Krout

ارتباطات غیرکلامی و نشانه‌شناسی حرکات بدنی

از موارد یاد شده درمی‌یابیم که ممکن است برخی از علائم غیر کلامی (مفاهیم دیداری) جهانی باشد؛ اما معانی متفاوتی دارند.

۳. پیشینه تحقیق

با توجه به اهمیت پیام‌های غیرکلامی، در این قسمت به بررسی تعاریف گوناگون و دیدگاه‌های اندیشمندان و زبان‌شناسان مختلف درباره آن می‌پردازیم.

ممکن است در ابتدا چنین به نظر برسد که ارائه تعریفی جامع و مانع از ارتباطات غیرکلامی، کار چندان دشواری نیست؛ اما به محض ورود به عوامل جداکننده و مشترک، دشواری کار، خود را نشان می‌دهد. اگر کلمه "غیر" به معنی "نه" و "جز" در نظر گرفته شود و کلمه "کلامی" به معنی کلمات که مجموعه‌ای از حروفی که مفهومی را القاء می‌کنند، در آن صورت ارتباط غیرکلامی یعنی ارتباط بدون کلمات و حروف. این خود آغازی مناسب است. اگر ما تمایزی بین "ارتباط آوایی" یا ارتباطی که به دهان آدمی وابسته است و "ارتباط مبتنی به کلمه" قائل شویم، به این نتیجه می‌رسیم که برخی از پیام‌های غیرکلامی، آوایی‌اند و بعضی دیگر خیر. به همین ترتیب بسیاری از پیام‌های کلامی، آوایی هستند و برخی از آن‌ها خیر. جدول زیر به سهولت این نکته را نشان می‌دهد:

ارتباطات غیرآوایی	ارتباطات آوایی	شیوه‌های ارتباطی
کلمات نوشتاری	کلمات گفتاری	ارتباط کلامی
حرکات، وضع ظاهر، حرکات چهره، حالت بدن و...	طنین صدا، فریاد، کیفیت صدا (بلندی و کوتاهی، ضریب و...)	ارتباط غیرکلامی

بنابراین، ارتباط غیرکلامی عبارت است از: پیام‌های آوایی و غیرآوایی که با وسایلی غیر از وسایل زبانی و زبان‌شناسی ارسال و تشریح شده‌اند (فرهنگی، ۱۳۷۵: ۲۲ - ۲۱).

بوس ماجیان در تعریف خود از ارتباطات غیرکلامی می‌نویسد:

واژه ارتباط غیرکلامی به دامنه وسیعی از پدیده‌هایی گفته می‌شود که پهنه وسیعی را می‌پوشانند، از بیان چهره تا اشاره و مُد، از وضعیت‌های نمادی تا رقص، تئاتر، موسیقی و پانتومیم، از جریان تأثیرگذاری تا جریان ترافیک، از حاکمیت‌جویی حیوانات تا تشریفات دیپلماسی، از ادراک مافوق حسی تا کامپیوترهای تمثیلی و از علم معانی مربوط به خشونت تا علم معانی مربوط به رقص‌های ابتدایی (محسنیان راد، ۱۳۶۹: ۲۴۳).

شولمن بحث ارتباط کلامی را در کتاب خود با ذکر حرکات چارلی چاپلین در فیلم‌های صامت او یادآور می‌شود و می‌نویسد که چارلی چاپلین توانست بدون کلام با شاگردانش ارتباط برقرار کند. دست‌هایش، چهره‌اش، راه رفتن خنده‌دارش و لباس‌هایش همه، پیام‌های او را منتقل می‌کردند. او می‌افزاید: "ما در زندگی روزمره مرتباً پیام‌های غیرکلامی می‌فرستیم، چشمک می‌زنیم، آدا درمی‌آوریم، دست‌هایمان را حرکت می‌دهیم و اشاره می‌کنیم. این پیام‌های غیرکلامی در کنش‌های متقابل انسانی می‌توانند بسیار مهم‌تر از اعتباری باشد که ما برای

آن‌ها قائل هستیم.

زبان‌شناسی به نام دیوید آبرکرومبی نیز اظهار کرده است که ما با اندام‌های آوایی مان صحبت می‌کنیم؛ اما با تمامی بدنمان عمل گفتگو را انجام می‌دهیم؛ بنابراین بین رفتار کلامی و غیرکلامی رابطه مستقیم وجود دارد (توکلی، ۱۳۷۴: XI).

همچنین پاره‌ای از محققان از جمله رافلر انگل (۱۹۷۸) اعتقاد دارند که حتی جنبه‌هایی از رفتار کلامی مقدم بر کسب مهارت‌های زبانی‌اند. تحقیقات وی به وضوح نشان می‌دهد که گفتار کودکان هنگامی که تنهایی با خود بازی می‌کنند، پیوسته با مجموعه‌ای از حرکات توأم است و بچه‌هایی که پُر حرف‌تر هستند، حرکات بدنی بیشتری همراه با گفتار از خود نشان می‌دهند. موریل ساویل - ترویک (۱۹۸۲) معتقد است که پاره‌ای رفتارهای غیرکلامی، "طبیعی" همه کودکان است و شاید بین انسان امروزی و انسان‌های اولیه مشترک بوده است. داروین (۱۸۷۲) اولین کسی بود که اظهار داشت "حالت‌هایی از صورت وجود دارد که در تمام جوامع نشان دهنده احساس واحدی است؛" این نظریه را بعدها محققانی چون هارپر، ونیز و ماتارازو (۱۹۷۸) نیز تأیید کردند. همچنین محققان زیادی از جمله هایمز (۱۹۶۲)، اروین - تریپ (۱۹۶۴)، گامپرز (۱۹۶۴) و سلوبین (۱۹۶۷) در این مسئله متفق‌القول هستند که در زبان - به عنوان مجموعه‌ای از قوانین ساختاری و واژگان از یک سو و کاربرد آن در بافت اجتماعی به هنگام سخن گفتن از سوی دیگر - آنچه در تبیین ابعاد معنایی یک پیام بیشترین تأثیر را دارد، روابط ساختاری زبان نیست، بلکه عناصر و مقولات غیرزبانی یا به عبارت دیگر رفتار غیرکلامی است که رونالد وارداف (۱۹۸۴) آن را بعد پنهان جمله می‌خواند (همان: ۸۸ - ۸۵).

درباره اهمیت ارتباط غیرکلامی، شاعران ایرانی سهم بسزایی داشته‌اند و از آن جمله است صائب تبریزی که یکی از قدیمی‌ترین کارشناسان ارتباطات غیرکلامی در جهان محسوب می‌شود:

هزار نکته سر بسته، بی میانجی حرف
ز غنچه دهن تنگ یار می‌شنوم
(معنی بیت فوق این است که در حالی که دهان یار صائب بسته است، او هزار مضمون را در سکوت از لبان او می‌شنود.)

اوحدی کرمانی:

زان می‌نگرم به چشم سر در صورت
این عالم صورت است و ما در صوریم
زیرا که ز معناست اثر در صورت
معنی نتوان دید مگر در صورت
رعدی آذرخشی می‌گوید:

من ندانم به نگاه تو چه رازی است نپهان
گر بگویم که مرا بی تو پریشانی نیست
که من آن راز توان دیدن و گفتن نتوان
رنگ رخساره خبر می‌دهد از سر ضمیر
پاسخم گو به نگاهی که زبان من و توست
گوش کن با لب خاموش سخن می‌گویم
در فرهنگ زبان‌ها، ارتباط غیرکلامی بدین صورت تعریف شده است: "مطالعه گوناگونی‌های حالات بدن، فاصله میان شخصی و تماس لمسی در ارتباط انسانی" (کریستال، ۱۹۹۲: ۴۲۸).

دیوید لوئیس الفبای بی صدا یا به عبارتی علایم غیرکلامی را به چهار دسته تقسیم می‌کند: ۱- نشانه‌ها،

۲- روشن کننده‌ها، ۳- تنظیم کننده‌ها، ۴- منطبق کننده‌ها (لوپس، ۱۳۸۰: ۸۵).

نشانه‌ها: در فرهنگ‌های مختلف ملل دنیا، علایمی وجود دارد که می‌توانند معادل کلمه یا کلمات موجود در آن فرهنگ قرار گیرند؛ برای مثال، غواصان پس از پوشیدن تجهیزات غواصی با دو انگشت شست و نشانه علامت حلقه را نشان می‌دهند و از این طریق معنی "بسیار خوب" را می‌رسانند. در اینجا می‌خواهند بگویند "همه چیز آماده است". خیلی از نشانه‌ها متعلق به فرهنگ خاص است و در فرهنگ‌های دیگر جایی برای تعبیر دقیق ندارند. در جبهه جنوبی "پایوا" در گینه نو مردم برای رساندن مفهوم خودکشی، گردن خود را با دست می‌گیرند؛ در این حالت امریکایی‌ها با یک یا دو انگشت گیجگاه خود را نشانه می‌گیرند. این نشانه، نوعی اشاره به اسلحه است. در حالی که ژاپنی‌ها برای رساندن این مفهوم دست‌های خود را مشت کرده، سپس به شدت تکان می‌دهند.

بعضی از سازمان‌ها نیز معمولاً از مجموعه‌ای نشانه‌های رسمی و مخصوص به خود استفاده می‌کنند؛ برای مثال، مدیران استودیوی تلویزیون هنگام ارتباط با مجریان برای نشان دادن اشکال فنی، انگشت نشانه دست راست خود را بر روی نوک انگشت نشانه دست چپ می‌گذارند و با این حرکت چیزی شبیه به حرف انگلیسی "T" را نشان می‌دهند.

نشانه‌ها ممکن است به تنهایی و یا در کنار هم به کار روند که در حالت دوم، جملات کوتاه را تشکیل خواهند داد؛ برای مثال، وقتی به محل کار شخصی وارد می‌شوید و در آن منشی مسئول، مشغول صحبت کردن با تلفن است، به سبب گرفتاری با استفاده از نشانه‌ها از شما عذرخواهی می‌کند و تعارف می‌کند که بنشینید.

روشن کننده‌ها: همسو با سخن گفتن عمل می‌کنند و می‌توانند در موارد متعددی مانند تأکید بر کلمات و عبارات، نشان دادن نوع روابط افراد، کشیدن تصویر مفاهیم در فضا، دنبال کردن حوادث و اعمال وزن در کلمات ادا شده به کار روند. روشن کننده‌ها در غالب اوقات به وسیله دست و بازو ظاهر می‌شوند؛ ولی هر نوع حرکت بدنی را که در تبادلات کلامی نقشی داشته باشد، می‌توان روشن کننده نامید.

انسان‌ها به لحاظ نوع و تعداد روشن کننده‌هایی که مورد استفاده قرار می‌دهند، بسیار گوناگون هستند. میزان استفاده از روشن کننده‌ها در بعضی از ملت‌ها خیلی بیشتر از سایر ملت‌هاست. یکی از مردم‌شناسان به نام "روبرت باراکات" می‌گوید: "اگر هنگام صحبت کردن، دست عربی را بگیرید، دیگر نمی‌تواند حرف بزند." "ویلیام کوندون" حرکت آهسته فیلم‌های برخورد انسان‌ها را مشاهده و بررسی می‌کرد؛ سپس آن‌ها را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌داد. کارهای تحقیقاتی او یکی از سنگ بناهای تحقیق غیرکلامی را تشکیل می‌دهند. این دانشمند فاضل معتقد است که همه انسان‌های عادی، هنگام صحبت کردن، بین صدا و حرکات بدن خود نوعی هماهنگی ایجاد می‌کنند. در واقع چنین کنش‌های هماهنگ شده بین صدا و عضلات برای برقراری ارتباط موفق نقش اساسی دارند.

روشن کننده‌هایی که هر کس از آن‌ها استفاده می‌کند، گاهی اوقات از بازتاب روشن کننده‌های طرف مقابل ناشی می‌شود.

روشن کننده‌ها همچنین باید با یکدیگر هم‌زمانی داشته باشند؛ در غیراین صورت، یکی از طرفین - یا در بعضی

موارد هر دو طرف - از مصاحبت با طرف مقابل خواهد رنجید.

تنظیم‌کننده‌ها: تنظیم‌کننده‌ها علایمی هستند که برای نوبت‌گرفتن به کار می‌روند. آن‌ها در شروع یا پایان صحبت نقش مهمی را برعهده دارند؛ برای مثال، دست دادن به عنوان یک عامل تنظیم‌کننده عمل می‌کند. از طرف دیگر، این عمل پیام مهم دیگری نیز به دنبال دارد و آن، نشان دادن شأن فرد است. همچنین از تنظیم‌کننده‌ها برای افزایش یا کاهش سرعت طرف مقابل می‌توان استفاده کرد و به او فهماند که باید به صحبت خود ادامه دهد یا نوبت را به دیگری واگذار کند.

دو نوع از تنظیم‌کننده‌ها، یعنی تکان دادن سر و استفاده از نگاه، موارد کاربرد زیادی دارند. اگر فردی سر خود را با سرعت زیاد تکان می‌دهد، می‌خواهد به طرف مقابل بفهماند که باید عجله کند و نوبت صحبت را به او واگذار کند؛ در حالی که اگر شنونده بخواهد متکلم به صحبت‌های خود ادامه دهد، سرعت آن حرکات را کم و بیشتر تأمل می‌کند. او با این کار می‌خواهد بگوید که به حرف‌های طرف مقابل علاقه‌مند است و به او گوش می‌دهد.

منطبق‌کننده‌ها: منطبق‌کننده‌ها حرکات، اشارات و سایر اعمالی را شامل می‌شوند که برای نظارت بر احساسات یا کنترل واکنش‌های خود در مقابل دیگران به کار می‌روند. از این حرکات معمولاً در موقعیت‌هایی استفاده می‌شود که در آن تنش ایجاد شده باشد. ما معمولاً از وجود منطبق‌کننده‌ها بی‌خبریم؛ هر چند که ممکن است بر حسب عادت به کرات از آن‌ها استفاده کنیم؛ برای مثال، ممکن است در هنگام عصبانیت نرمه گوش خود و یا گوشه لباس خود را بگیریم و بکشیم و یا دست‌های خود را به یکدیگر بمالیم (کرمی، ۱۳۸۴: ۴۲ - ۲۸). بر پایه دیدگاه‌های مطرح شده، می‌توان گفت که اکثر آن‌ها بر اهمیت ارتباط غیرکلامی تأکید می‌کنند. معنی بعضی از حرکات در زبان‌هایی مانند انگلیسی، ژاپنی و ... بررسی شده‌اند؛ اما در زبان فارسی به جز موارد مطرح شده - که آن هم بیشتر جنبه تئوری دارد - توصیف دیگری از نشانه‌شناسی حرکات بدن انجام نشده است؛ لذا در این قسمت به معنی و مفهوم حرکات شاخص‌ترین اندام‌های بدن پرداخته می‌شود.

۴. تجزیه و تحلیل داده‌ها

همان‌طور که گفته شد، هر یک از اعضای بدن ما دارای زبان خاص خود هستند. در این تحقیق اندام‌های شاخص بدن مانند دست، پا و اندام‌های صورت انتخاب شده‌اند و از آن جایی که حرکات متفاوت این اندام‌ها در انتقال پیام و ایجاد ارتباط با مخاطب نقش بسزایی دارند و بسامد کاربرد آن‌ها زیاد است، صرفاً به توصیف معنایی اندام‌های فوق‌الذکر پرداخته شده است. روش کار به این صورت بوده است که بعد از انتخاب این اندام‌ها، حرکات متفاوت و معنی هر حرکت از منابع متفاوت و همچنین بر پایه شم زبانی نویسنده جمع‌آوری شده‌اند و سپس فهرستی از حرکات و مفاهیم آن‌ها را به پنجاه گویشور فارسی‌زبان که دانشجویان مقطع کارشناسی بوده‌اند داده شد و از آن‌ها خواسته شد که هر یک از معانی فوق را با شم زبانی خود چک نموده و طبیعی بودن یا غیرطبیعی بودن آن را مشخص کنند و اگر می‌توانند معنی دیگری را به آن اضافه نمایند. از میان داده‌های جمع‌آوری شده از گویشوران فوق توصیف زیر به دست آمده است.

الف) اشارات سر:

"حرکات سر" ممکن است شامل این معانی باشد:

۱. حرکت سر به طرف پایین: پاسخ مثبت.
۲. حرکت سر به طرف بالا: پاسخ منفی.
۳. تکان دادن سر به طرف بالا و پایین: گاهی برای دعوت دیگران به آرامش و گاهی نشانه توافقی است.
۴. تکان دادن سر به سمت چپ و راست: علامت مخالفت و بی‌علاقگی است.
۵. حرکت سر به یکی از جهت‌های مختلف به علامت انجام دادن کاری در آن جهت.
۶. حرکت مداوم و آرام سر به بالا و پایین به معنی درک کردن موضوع.
۷. حرکت سر به طرف چپ و راست با گفتن یکبار "نچ" به معنی مخالفت یا ندانستن جواب مورد نظر.
۸. حرکت سر به طرف چپ و راست با گفتن "نچ" های پی در پی برای ابراز تأسف و تأثر.
۹. تکان دادن سر به طرفین: عدم انتظار عمل انجام شده.
۱۰. کج کردن سر به طرف شانه‌ها: نشانه غم و اندوه، پشیمانی و شرمساری.
۱۱. خاراندن سر با ابروهای بالا آمده: نشانه تفکر و یا محاسبه.
۱۲. حرکت سر به طرف پایین: سلام کردن.

ب) اشارات اندام‌های صورت:

در این قسمت به حرکات و معانی مختلف اندام‌های ابرو، چشم، بینی، دهان و لب پرداخته می‌شود.

۱. اشارات ابرو:

- ۱-۱. ابرو در هم کشیدن به معنی عصبانیت (همراه با دست بر کمر زدن).
 - ۱-۲. بالا انداختن ابرو به معنی نه.
 - ۱-۳. بالا انداختن یکی از ابرو به همراه تغییر حالت چشم‌ها به معنی تحقیر و بی‌احترامی.
 - ۱-۴. بالا انداختن دو ابرو و گشاد کردن چشم‌ها به معنی تعجب.
- نکته: در مورد ابروها باید گفت که بیشتر، حالات ابرو با توجه به حالت چشم‌ها معانی مختلفی به خود می‌گیرند.

۲. اشارات چشم‌ها:

از حالات رخساری، چشم‌ها مهم‌ترین نقش را بازی می‌کنند. چشم‌ها دارای زبان مخصوص به خود هستند. آن‌ها تبسم می‌کنند، اخم می‌کنند و خستگی یا نگرانی را نشان می‌دهند. نگاه‌ها از فرهنگی به فرهنگی و از قومی به قومی متفاوت هستند؛ اما تماس چشمی نقش مهمی در تنظیم ارتباط متقابل در محاوره‌ها برعهده دارد.

اطلاعات بینایی در هر تبادلی از اهمیت خاصی برخوردار است؛ زیرا دستگاه بینایی مهم‌تر از دستگاه شنوایی است. اگر انسان‌ها در شرایطی قرار گیرند که در داشتن دستگاه‌های بینایی و شنوایی به ناچار یکی را انتخاب کنند، حدود ۹۵ درصد از مردم دستگاه بینایی را برمی‌گزینند. دلیل دیگری که نشانه اهمیت بیشتر دستگاه بینایی نسبت به شنوایی است، مسافتی است که در آن، دو دستگاه مذکور می‌توانند به فعالیت بپردازند:

حد مطلوب کار گوش در فاصله کمتر از بیست پا محدود است. چنانچه تبادل اطلاعات را یک طرفه کنیم تا بر فاصله بیفزاییم، حداکثر مسافتی که می‌توانیم از گوینده دور شویم از یک صد پا تجاوز نمی‌کند. اگر دو نفر در این فاصله به‌طور معمول مشغول صحبت باشند، محدودیت‌های بسیار زیاد شنوایی نسبت به بینایی، بلافاصله نمایان خواهد شد.

همچنین سرعت صوت در سطح دریا ۱۱ پا در ثانیه است؛ در حالی که سرعت نور در همان شرایط ۱۸۶۰۰۰ مایل در ثانیه می‌باشد. از طرف دیگر بسامدهایی که گوش انسان می‌تواند درک کند - بین ۵۰ تا ۱۵۰۰۰ سیکل در ثانیه - از محدودیتی نسبی برخوردار است؛ در حالی که بسامد نوری که چشم انسان می‌تواند تشخیص دهد، می‌تواند از ۱۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ سیکل در ثانیه بالاتر رود. در نتیجه اطلاعاتی که از طریق چشم دریافت می‌کنیم بسیار ارزشمندتر و دقیق‌تر از اطلاعاتی است که از طریق گوش دریافت می‌کنیم (کریمی، ۱۳۷۶: ۲۰-۱۹).

معانی متفاوت حرکات چشم عبارتند از:

- ۱-۲. تنگ کردن چشم به معنی دقت در گفتار مخاطب.
 - ۲-۲. از گوشه چشم نگاه کردن و فشردن دندان‌ها بر هم هنگامی که موقعیت برای ابراز عصبانیت مناسب نباشد.
 - ۳-۲. چشم غره رفتن به معنی عصبانی بودن.
 - ۴-۲. چشمک زدن با یک یا دو چشم به چند معنی: اعلام مخالفت، اعلام مسرت، دعوت به کاری در خفا، دست انداختن مخاطب یا شخص ثالث.
 - ۵-۲. بستن چشم‌ها به معنی بله.
 - ۶-۲. گشادکردن چشمان به معنی تعجب.
 - ۷-۲. نمایان کردن احساس لذت درونی با بستن چشم‌ها.
 - ۸-۲. پشت چشم نازک کردن به معنی اعتراض.
 - ۹-۲. خیره شدن به یک نقطه: تفکر کردن.
 - ۱۰-۲. نگاه کردن به طرف مقابل: تمایل برای ادامه گفتگو.
 - ۱۱-۲. قطع نگاه به طرف گفتگو: تمایل به قطع گفتگو.
 - ۱۲-۲. چشمک‌زدن: نشانه دروغ یا شوخی بودن سخنان گفته شده.
 - ۱۳-۲. بازکردن بیش از حد چشم: نشانه خشم مفرط.
 - ۱۴-۲. بازکردن بیش از اندازه چشم‌ها همراه با لبخند: نشانه خوشحالی.
 - ۱۵-۲. این طرف و آن طرف نگاه کردن (همراه با حرکات آرام سر و کشیدن نفس): نشانه خستگی از گفتار گوینده و تقاضای مؤدبانه قطع ارتباط زبانی.
 - ۱۶-۲. آه کشیدن با چشمان بسته: نشانه غم.
- نکته: در مورد چشم‌ها باید گفت که حالاتی مانند نفرت، عشق، افسوس، خشم، تمسخر و... را هم نشان می‌دهند که توصیف آن‌ها در قالب کلمات آسان نیست و نیاز به تصویر دارد.

۳. بینی:

- ۳-۱. لمس بینی: وقتی دست فردی در هنگام گفتگو با بینی‌اش تماس پیدا می‌کند، نشانه آن است که فرد موضوعی را کتمان می‌کند. ظاهر وی ممکن است آرام به نظر برسد؛ اما باطن فرد پریشان و آشفته است. روان‌شناسان معتقدند که دست‌زدن به بینی یک حرکت غیرارادی برای پوشاندن دهان و کتمان دروغ است.
- ۳-۲. چین و چروک بینی: وقتی عضلات اطراف بینی منقبض می‌شوند، چین و چروک مابین چشم‌ها پدید می‌آید که افشاکننده تنفر است و مفهوم دقیق آن یعنی یک طرد ملایم تا تنفر شدید.
- ۳-۳. پیچیدن بینی: پیچ‌خوردگی بینی به یک سو نشانه نفرت و بیزاری و طرد است.
- ۳-۴. فراخ کردن بینی: خشم، غضب و عصبانیت.
- ۳-۵. حرکت بینی به سمت بالا: وقتی بینی با کج کردن سر به عقب، به سمت بالا می‌رود به طور ضمنی نشانه آن است که فرد می‌گوید: "من برتر هستم، من بهتر از شما هستم!"
- ۳-۶. گشاد شدن پره‌های بینی: نشانه عصبانیت و خشم زیاد.

۴. اشارات دهان و لب‌ها:

- ۴-۱. گازگرفتن لب پایین به معنی تعجب یا تأثر یا تحسر.
- ۴-۲. دهان بسته با حرکتی به طرف پایین و ابروان به طرف بالا به معنی بی‌اعتنایی یا تمسخر.
- ۴-۳. زبان در آوردن به معنی استهزا یا تکذیب گفته دیگری.
- ۴-۴. باز ماندن دهان به معنی تعجب.
- ۴-۵. دهان کجی همراه با گفتن "یه یه یه" و حرکت فک پایین به راست و چپ به معنی تمسخر.
- ۴-۶. آب دهان انداختن: توهین به طرف مقابل.
- ۴-۷. پر کردن دهان از هوا و باد کردن لپ‌ها و فوت کردن هوا به بیرون: نشانه خستگی یا فارغ شدن از کاری خسته کننده.
- ۴-۸. گزیدن لب پایین: تأسف از خطایی که صورت گرفته است.
- ۴-۹. زبان درازی کردن: شوخی و یا تمسخر.
- ۴-۱۰. خمیازه کشیدن: خواب‌آلودگی تنها دلیل خمیازه نیست؛ بلکه خمیازه اجتماعی نیز وجود دارد. خمیازه گاهی برای نشان دادن کسل شدن و خسته شدن از سخنان طرف مقابل است.

ج) اشارات دست:

۱. حرکت تمام یا ساعد یا کف یک یا دو دست یا انگشتان یا انگشت سبابه یک دست به طرف بدن: به معنی "بیا" و دور از بدن: به معنی "برو" (هر چه فاصله مخاطب دورتر و هیجان بیشتر باشد، قسمت بیشتری از دست به حرکت در می‌آید).
۲. حرکت دست به طرفین مثل بادزدن کباب: "به به چه کاری کردی!"
۳. با دو دست به صورت باد زدن: "چقدر هوا گرم است!"
۴. زدن دست به پشت دست دیگر: تعجب و تأثر.

۵. زدن دست به ران یا صورت یا سر یا پشت دست دیگر در هنگام تأثر شدید.
۶. مالیدن شست به انگشت اشاره: پول.
۷. عرق پیشانی با انگشت اشاره زدودن و بر زمین ریختن: "خجالتم مده!".
۸. نشان دادن فراخی و تنگی و بزرگی و کوچکی و زیادی و کمی مقدار با فاصله دو بازو و یا ساعد یا کف دست یا انگشتان اشاره یا فاصله شست از انگشتان چسبیده یک دست.
۹. بازکردن آغوش برای نشان دادن قصد در آغوش کشیدن.
۱۰. گذاشتن شست پشت لاله گوش و چسباندن انگشتان باز به لاله گوش: "گوشم نمی‌شنود؛ بلندتر!".
۱۱. تکان دادن سبابه و بستن بقیه انگشتان: "ای ناقلا!".
۱۲. دو شاخ محبت برای گرفتن سیگار مجانی.
۱۳. دست‌ها در دو طرف آویزان و نشان دادن کف دست: "چاره چیست؟".
۱۴. در هوا روی سطحی خط کشیدن با انگشت به صورت ضربدر: بیان اطمینان و قول.
۱۵. نشان دادن عجز از صدای زیاد از طریق گرفتن دو لاله گوش با کف دست‌ها.
۱۶. نمودن کف دست به صورت افقی به معنای:
- من رک و شجاع هستم و حقیقت را می‌گویم.
۱۷. چرخش مچ با انگشتان باز: "چطور هستی؟"
۱۸. با انگشت به سر اشاره کردن و ادای علامتی از نفی: "اجاره دادن بالا خانه".
۱۹. چهار انگشت باز چسبیده بر چشم (یک یا دو دست): اطاعت.
۲۰. کف دست بر سینه و تمایل بدن به جلو: اطاعت و خداحافظی.
۲۱. با دست سیلی بر روی خود زدن و با سرانگشت کندن گونه: "خجالت آور است"
۲۲. انگشت سبابه بر لب‌ها یا نوک بینی: سکوت.
۲۳. چند بار با سطح داخلی سبابه به پره بینی زدن: اصطلاح "دماغ سوخته".
۲۴. گرفتن چانه با دست: تمنا و خواهش و "مرگ من گفتن" گفتن.
۲۵. دست برهم مالیدن: نمودن احساس لذت درونی.
۲۶. دست دادن شل: فردی که تنها انگشتان دستش را دراز می‌کند و یا دستانش مانند ماهی شل است، می‌گوید: "مایل نیستم به من دست بزنید." چنین کسی صمیمیت را دوست ندارد. همچنین نشانه مطیع و تسلیم بودن نیز می‌باشد. هرگاه آقایی در یک موقعیت کاری از این نوع دست‌دادن استفاده می‌کند، امکان دارد چنین برساند که قصد دارد مخفیانه اعمال نفوذ در موقعیت نماید.
۲۷. دست دادن با هر دو دست: هرگاه از دست چپ برای دربرگرفتن و پوشاندن دست‌های فشرده استفاده گردد، راستی و صمیمیت زیاد را می‌رساند، درست مانند در آغوش گرفتن صمیمانه افراد.
۲۸. دست‌های پنهان: این ژست آب‌زیرکاهانه است. فرد می‌گوید: مایل به گفتگو با شما نیستم. (خصوصاً در مورد دست‌هایی که عمیقاً در جیب فرو شده باشد).

ارتباطات غیرکلامی و نشانه‌شناسی حرکات بدنی

۲۹. دست‌ها به روی زانو: وقتی کف دست‌ها به طرف بالا باشد، شخص گشاده‌رو و پذیراست. وقتی کف دست‌ها پایین باشد، ممکن است پای فریبکاری در میان باشد.
۳۰. خاراندن پره بینی با سبابه به معنی فکرکردن به هنگام حساب یا یادآوری و همچنین برای نهفتن احساس درونی که از سر دواندن کسی عارض شود.
۳۱. گره‌کردن دست و اشاره با شست باز به بالا و ادای لفظ "بیا" یا "بیلاخ" اهانت و استهزاء (برای تأکید این علامت، چهار انگشت دست دیگر هم‌زمان با ادای حرکت بر بازوی اول تکیه می‌کند).
۳۲. زدن مشت گره‌کرده بر بدن خود: هیجان.
۳۳. چهار انگشت بسته افقی بالای هر چشم برای نظاره با دقت.
۳۴. بشکن با انگشت میانه یا انگشت چهارم و شست بر حسب عادت اشخاص مختلف: شادی.
۳۵. قلاب‌کردن انگشتان کوچک به معنی قهر.
۳۶. دست‌دادن: آغاز یا پایان مکالمه.
۳۷. بالابردن دست: دعوت به برخاستن فرد یا افرادی که نشسته‌اند.
۳۸. پایین‌آوردن دست: پذیرفتن سخن گوینده/ دعوت به آرامش.
۳۹. گذاشتن دست روی گوش‌ها: نشانه عدم تمایل به شنیدن سخنان طرف مقابل.
۴۰. دست روی سینه گذاشتن: احترام به طرف مقابل.
۴۱. قلاب‌کردن دو دست در جلوی بدن: احترام به طرف مقابل.
۴۲. قلاب‌کردن دو دست در پشت بدن: احساس برتری به طرف مقابل.
۴۳. دست از پنجره اتومبیل بیرون آوردن: تصمیم به گردش به چپ یا راست.
۴۴. دست‌دادن بسیار محکم: نشانه شور و اشتیاق و سلطه‌گری است. بی‌تردید می‌توان فهمید چه کسی اینجا فرمان می‌دهد.
۴۵. کوبیدن دست بر روی میز به معنی سکوت.
۴۶. با یک دست بر پشت دست دیگر زدن (همراه با تکان دادن سر به طرفین): پشیمانی از انجام کاری.
۴۷. دست‌زدن: تشویق و تحسین کردن.
۴۸. با دو دست روی سر کوبیدن: "خاک بر سرم شد"، "بد شانس آوردم".
۴۹. چسباندن کامل دو دست به هم و نگه داشتن آن در جلوی سینه: دعاکردن، التماس و خواهش کردن از کسی.
۵۰. زدن یک بشکن تنها: فهمیدن آنی مسئله‌ای.
۵۱. بشکن‌زدن با دو دست به‌طور مداوم: خوشحال بودن.
۵۲. دست‌ها را به کمرزدن نشانه طلبکار بودن.
۵۳. دست به سینه ایستادن نشانه عصبانی و طلب‌کاربودن.
۵۴. دست به سینه نشستن (خصوصاً در کلاس درس) به معنی رعایت سکوت.

۵۵. با دو انگشت بینی خود را گرفتن: "بوی بدی می‌آید!"
۵۶. دست خود را از شیشه‌اتومبیل بیرون آوردن به هنگام رانندگی به منظور راه گرفتن از راننده دیگر.
۵۷. گذاشتن دست‌ها زیر چانه: "حوصله‌ام سر رفته." در این حالت ممکن است فرد نخواهد خود را مشتاق جلوه دهد ولی پیام واقعی او این است که "من قادر نیستم روی سخن شما تمرکز کنم."
۵۸. نوازش چانه: این علامت نشانگر آن است که توجه شنونده با دقت کامل و مشتاقانه به تک‌تک واژه‌هایی است که گوینده به زبان می‌آورد. همچنین حرکتی متفکرانه می‌باشد.
۵۹. مالش چانه: این ژست با ژست قبلی کمی متفاوت است و با انگشت اشاره بر سراسر پایین چانه انجام می‌گیرد و ممکن است نشانه آن باشد که شنونده حرف گوینده را باور ندارد.
۶۰. مالش گردن: تردید و دودلی را در مورد موضوع گفته شده و یا شنیده شده می‌رساند. این ژست معمولاً با انگشت اشاره بر روی کنارگردن، درست زیر گوش پدید می‌آید.
۶۱. دست‌دادن محکم: فردی که دستش را دراز کرده و سپس دستانش را به طرفی می‌چرخاند که دستش بالا و کف دستش پایین قرار گیرد، سعی در برتری‌جویی دارد. این نوع حرکت اغلب در موقعیت‌های سیاسی و دیپلماتیک کاربرد دارد.
۶۲. دست تکان دادن: ابراز احساسات به مخاطب/ خداحافظی/ سلام.
۶۳. نشان دادن انگشت شست: در فرهنگ غرب به معنی تشکر یا آرزوی موفقیت و در فرهنگ ایرانی به معنی فحش غیر کلامی.
۶۴. انگشت روی بینی گذاشتن: دعوت به سکوت.
۶۵. انگشت روی بینی کشیدن: به معنی خیط کاشتن مخاطب (دماغ سوخته).
۶۶. نشان دادن ساعت مچی و زدن بر روی آن: "ساعت چند است؟" / "وقت تمام است".
۶۷. زدن انگشتان دست بر روی میز: تأمل و انتظار.
۶۸. حرکت انگشت: مضراب زدن و یا ریتم یکنواختی را با انگشتان نواختن، دلالت بر بی‌تابی و ناشکیبایی دارد. این یک حرکت نمادین گریز است...
۶۹. مناره کردن انگشتان: هنگامی که فردی انگشتان خود را به هم فشرده و چانه و دهان خود را روی سر انگشتان قرار می‌دهد، نشانگر تفکر عمیق است، مانند زمانی که شخص به امید شنیدن جواب می‌باشد.
۷۰. مشت کردن انگشت‌ها: فرد در این حالت خشمگین است؛ ولی می‌کوشد که آرام بماند.

د) اشارات پاها:

۱. دراز کردن پا هنگام نشستن روی زمین: نشانه احساس برتری یا عدم احترام برای طرف مقابل.
۲. دراز کردن پا روی میز کار: نشانه احساس برتری یا عدم احترام برای طرف مقابل.
۳. جفت کردن پاها هنگام نشستن: نشانه احساس فرودستی یا احترام به طرف مقابل.
۴. کوبیدن پاها بر روی زمین: نشان‌دهنده عصبانیت (این حرکت خصوصاً توسط کودکان مورد استفاده قرار می‌گیرد).

۵) حرکت اندام‌های دیگر:

۱. بالا انداختن شانه‌ها: اظهار بی‌اطلاعی همراه با بی‌اعتنایی به موضوع.
 ۲. پشت کردن به طرف گفتگو: بی‌احترامی یا درخواست غیرمؤدبانۀ قطع ارتباط زبانی.
- البته باید به این مسئله توجه داشت که هر یک از این نشانه‌ها بسته به محیط‌ها و موقعیت‌هایی که مورد استفاده قرار می‌گیرند حامل معانی متفاوتی هستند که در اینجا فقط به معانی بارز آن‌ها که در اغلب موارد برداشت می‌شود، اشاره شده است؛ برای مثال ممکن است یک فرد در حالت عصبانیت لبخند بزند فقط بدان علت که بنا به دلایلی نخواهد عصبانیت خود را بروز دهد.

۵. نتیجه‌گیری

همان‌طور که مشاهده شد، ارتباطات غیرکلامی دامنه وسیعی از هر فرهنگ را دربرمی‌گیرند. شاید یکی از دلایل استفاده از زبان بدن این باشد که مردم دوست ندارند برخی از پیام‌ها را با زبان انتقال دهند. همان‌طور که گفته شد، دو نوع ارتباط کلامی و غیرکلامی لازم و ملزوم یکدیگرند و در انتقال پیام مکمل یکدیگر عمل می‌کنند و نیز مشخص شد که ارتباط غیرزبانی همیشه وجود داشته است؛ ولی فقط در سال‌های اخیر است که آگاهانه به آن توجه شده است و این نیازمند روش‌ها، فرمول‌ها و الگوهای است که بتوان آن را به شیوه‌ای علمی توصیف و مطرح کرد.

همچنین دیده شد که بیشتر جنبه‌های ارتباط غیرکلامی وابسته به زبان و فرهنگ هستند و به همان ترتیب که عناصر زبانی فرا گرفته می‌شوند، کسب می‌گردند. به جز معدوی از رفتارهای غیرکلامی جهانی که عمدتاً در بیان احساسات نقش دارند (همچون گریستن و خندیدن که این دسته رفتارهای غیرکلامی ذاتی‌اند) مفاهیم فرهنگی، اغلب در قالب حرکات بدنی یا حالت‌های مشخصی از صورت شکل می‌گیرند و بر حسب ویژگی‌های فرهنگی متفاوتند. بعبارت دیگر همه فرهنگ‌ها دارای شیوه‌های غیرکلامی متمایزی برای خود هستند و افراد برای ایجاد ارتباطی کامل و جامع به ناچار باید روش‌ها و الگوهای صحیح جامعه‌شان را بیاموزند.

زبان حرکات بدنی چیزی نیست که از افراد جدا باشد. نظام‌های ارتباط زبانی به هم بافته هستند و این در سرشت شخصیت و در داخل جامعه بافته شده است. همچنانکه از معنی بعضی از داده‌های تحقیق برمی‌آید ارتباطات غیرکلامی، شخصیت و احساس افراد در مورد دیگران را آشکار می‌سازد و البته هیچ‌کدام از ما هیچ‌گاه به طور کامل دارای دانشی از هر نوع علامت غیرکلامی نخواهیم بود.

برپایه توصیف داده‌های مورد بررسی در این تحقیق دوازده معنی برای حرکت سر، چهار معنی برای حرکت ابروان، حرکات متفاوت چشم با شانزده معنی، اشارات دهان و لب‌ها با یازده معنی و اشارات متفاوت دست با هفتاد معنی ملاحظه می‌شود؛ که در این میان حرکات متفاوت دست بیشترین معنی و مفهوم را دارد و به نظر می‌رسد این اندام در فرایند ارتباط از بسامد کاربرد بالایی برخوردار است.

علاوه بر نتایج فوق، داده‌های پژوهش نشان می‌دهد که اشارات ممکن است توأم با گفتار و یا به تنهایی به کار روند مانند دست تکان دادن و گفتن واژه خداحافظ. همچنین بعضی از حرکات که برای اثبات یا نفی مورد

استفاده قرار می‌گیرند، گاهی جداگانه و گاهی دسته‌جمعی به کار می‌روند. مانند زدن دست به سر یا به ران به معنی تأثر یا ناراحتی شدید. به طور کلی تعبیر ارتباطات غیر کلامی در هر بافت ممکن است معنای متفاوتی داشته باشد.

منابع

آرژیل، مایکل (۱۳۷۸). *روان‌شناسی ارتباطات و حرکات بدن*. ترجمهٔ مرجان فرجی، تهران: انتشارات مهتاب. ابراهیمی، بهمن (۱۳۸۰). *زبان بدن کودکان*. تهران: انتشارات سازمان انجمن اولیاء و مربیان. توکلی، علی (۱۳۷۴). *نشانه‌شناسی و ارتباط غیرزبانی*. پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد. دانشگاه فردوسی مشهد. جهانگیری، نادر (۱۳۷۰). «رفتار غیر کلامی». *مجلهٔ دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد*. س ۲۴، ش ۱، ۲۲۰ - ۲۰۵.

جیمز، جودی و آرین ابوک (۱۳۸۵). *کلام جسم*. تهران: انتشارات نسل نو اندیش. زندی، بهمن (۱۳۸۳). *اصول و مبانی برنامه‌ریزی درسی آموزش زبان فارسی*. تهران: انتشارات دانشگاه پیام‌نور. فرهنگی، علی اکبر (۱۳۷۴). *ارتباطات انسانی مبانی ج ۱*. تهران: مؤسسهٔ خدمات فرهنگی رسا. _____ (۱۳۷۵). *ارتباطات غیر کلامی - هنر استفاده از حرکات و آواها*. میبد: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی.

کریمی، عبدالعظیم (۱۳۷۶). *الگوهای غیر کلامی و نمادین در تعلیم و تربیت نامرئی*. انتشارات تربیت: تهران. لوئیس، دیوید (۱۳۸۰). *زبان بدن راز موفقیت*. ترجمهٔ جالینوس کرمی، مشهد: مؤسسه انتشارات مهر جالینوس. محسنیان‌راد، مهدی (۱۳۶۸). *ارتباط‌شناسی*. تهران: انتشارات سروش.

Abercrombie, D. (1968). "Paralanguage". *British Journal of Disorders of Communication*. 1989, 39, 22-30.

Argyle, M. (1972). *Non-verbal Communication in Human Social Interaction*. 1992, 40, 35-43.

Birdwhistle, R. (1970). *Kinesics and Context*. Philadelphia: University of Pennsylvania press.

Crystal, D. (1987). *The Cambridge Encyclopedia of Language*. Cambridge: Cambridge University Press.

Fast Julius, R. (1972). *Body Language*. New York: Pocket books.

Yule, G. (1985). *The Study of Language*. second Edition, Cambridge: Cambridge University Press.